

به نام خدا

موضوعات سایت

www.g-alm.ir
www.g-alm.ir/forum

واژه	سال	درس	رشته (کنکور)	صفحه کتاب
آب بردن* : کنایه از آبروی کسی را بر باد دادن	پیش	انتهای کتاب	زبان	۵۸
آزگار* : زمانی دراز، به طور مداوم، تمام و کامل	دوم	۵	انسانی	۱۲
آژنگ* : چین و شکنی که به واسطه‌ی، خشم به چهره و ابرو و پیشانی افتد.	پیش	۱۰	زبان	۵۲
ابدال* : جمع بَدَل، بَدَل و بَدیل، به معنی نیک‌مردان، مردان خدا، اولیاء الله	دوم	۱۳	ریاضی- زبان	۱۹
اجابت* : برآوردن	پیش	انتهای کتاب	زبان	۵۸
ارغند* : خشمگین، قهرآلود(در فرهنگ فارسی، آن را دلیر و شجاع معنی کرده‌اند.)= شزره، ژیان، دژم	پیش	۱۹	ریاضی	۵۵
ازار* : لنگ	سوم	انتهای کتاب	هنر	۴۸
استسقا* : بیماری تشنگی، آب خواستن	پیش	۱۴	هنر	۵۳
اشباح* : جمع شبح، کالبدها، سایه‌ها، سایه‌هایی که از دور به نظر می‌رسد.	دوم	۱۰	ریاضی	۱۷
اعراض* : روی برگرداندن، بی‌توجهی کردن= اضراب = رخ برتافتن= دامن برچیدن= عنان پیچیدن.	سوم	۱	هنر	۲۸
اعورانه* : (قید است) مثل آدم اعور؛ یک چشم	سوم	۲۲	زبان	۴۷
افگار* : آزرده، زخمی، مجروح، خسته، خلیده	سوم	۶	زبان	۳۳
مجاور بودن* : اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن .	پیش	۱۶	تجربی	۵۴
التفات* : توجه	پیش	۶	ریاضی	۵۱
التفات* : توجه	سوم	۱۱		۳۹
التفات* : توجه	سوم	۱۴		۴۲
اورند* : اورنگ، تخت، مجازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت	پیش	۱۹	ریاضی- زبان	۵۵
اهل صورت* : متشرعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند	پیش	۱۶	تجربی- زبان	۵۴
ایدر* : اینجا، اکنون	سوم	۲	هنر	۳۰
بارقه* : پرتو، جلوه‌گر	پیش	۱۴	ریاضی	۵۳
باسق* : بلند، مرتفع	سوم	۱	هنر	۲۸
بقولات* : جمع بقول و آن هم جمع بقل است به معنی سبزی و تره بار (جمع الجمع)	دوم	۵	انسانی	۱۲
بلاغت* : چیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن	سوم	۱	ریاضی	۲۸
بلاغت* : آوردن کلام مطابق اقتضای مقام و مناسب حال مخاطب، رسایی سخن	دوم	۱۶		۲۱
بور شدن* : شرمند شدن، خجلت زده شدن	پیش	۲۶	ریاضی	۵۷
بِهَل* : بگذار، رهاکن (بهل کردن، هلال کردن)	پیش	۱۱	زبان	۵۲
بی‌گاه* : دیر	پیش	۱	زبان	۴۹
پای‌مردی* : شفاعت، میانجی‌گری، خواهشگری	سوم	۱۵	زبان	۴۴
پَتیاره* : مخلوق اهریمنی، مهیب، زشت	دوم	۵	ریاضی	۱۲
پس افکند* : میراث، پس‌افکنده، پس‌أفت	پیش	۱۹	ریاضی- زبان	۵۵
تاک* : درخت انگور، مُو، رَز	سوم	۱	زبان	۲۸
تضریب* : فتنه‌انگیزی، سخن‌چینی، دو به‌هم‌زنی = سعایت، نَمّای، غمّازی	سوم	۷	هنر	۳۵
تکفل کردن* : در عهده گرفتن، پذیرفتن	سوم	۱۴	ریاضی	۴۱
تنبّه* : بیداری، آگاهی، هوشیاری	دوم	۲۱	زبان	۲۵
تهجد* : شب‌بیداری، شب‌زنده‌داری	پیش	۹	ریاضی	۵۲
تیمار* : مواظبت، مراقبت، توجه	سوم	۱۴	ریاضی	۴۲

۱۵	تجربی	۷	دوم	جرکردن: جنگیدن، درافتادن
۴۶	هنر	۲۰	سوم	جَنحه* : گناه، بزه، ذنب، وزر ← ۸۷
۳۹	زبان - هنر	۱۰	سوم	چَنبر* : محیط دایره، حلقه، قید، گرفتاری ← ۸۶
۵۵	ریاضی	۱۸	پیش	چوک* : شباویز، مرغِ حق، مرغی مانند جغد که خود را از درخت آویزان می‌کند و فریاد می‌کند. ← ۹۱
۲۱	هنر	۱۶	دوم	حازم* : دوراندیش، هوشیار ← ۸۲و۸۴و۸۷و۸۹
۳۶	-	۷	سوم	حیر* : مرگب ← ۸۷و۹۱
۲۳	زبان	۱۸	دوم	حد: نوعی مجازات
۱۰	زبان	۳	دوم	حَرَب* : جنگ و ستیز، مجازاً آلت حرب، ابزار جنگ مثل شمشیر، خنجر، نیزه و ... ← ز هم رد نمودند هفتاد حرب: مجازاً آلت حرب ← ۹۰
۲۵	ریاضی - انسانی	۲۱	دوم	حِرز* : دعایی که بر کاغذ نویسند و با خود همراه داشته‌باشند، بازوبند، تعویذ ← ۸۲و۸۵و۸۷و۸۹
۵۲	زبان	۹	پیش	حَضیض* : نشیب ← ۸۱
۲۸	زبان	۱	سوم	حلیه* : زیور، زینت ← ۸۳و۸۵
۳۱	هنر	۳	سوم	حمیت* : مردانگی، غیرت
۱۲	زبان	۵	دوم	خفایا* : جمع خفیه، نهان‌ها، در خفایای خاطر، در جاهای پنهان ذهن ← ۹۱و۸۹و۸۶
۲۸	-	۱	سوم	ربیع* : بهار (شما، زمستان) (فریغ: پاییز) (صیف: تابستان)
۱۲	تجربی	۵	دوم	خورد رفتن: ساییده‌شدن، از بین رفتن
۴۰	زبان	۱۲	سوم	خلیده* : زخمی، زخم‌شده
۵۱	هنر	۷	پیش	خیل: اسب، مجازاً گروه، گله
۵۸	ریاضی	انتهای کتاب	پیش	داشتن* : حفاظت کردن، پاییدن، حرمت کردن، نواختن ← ۹۱
۵۴	ریاضی	۱۶	پیش	ذَرَاعه* : جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو پوشند، جُبه، بالاپوش، جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند.
۵۰	هنر	۳	پیش	دژم* : خشمگین (ارغند، شرزه)
۱۰	هنر	۳	دوم	دغل: مکر و حيله
۴۹	هنر	۲	پیش	دَنانت: پستی، دنانت با مناعت تضاد دارد.
۱۴	ریاضی	۶	دوم	ذَرع* : گز، معادل ۱/۰۴ متر (زرغ، کاشتن) ← ۹۰
۵۱	ریاضی - زبان	۴	پیش	رَجم* : سنگ‌زدن، سنگسار کردن ← ۹۰
۳۷	تجربی	۸	سوم	رشید (رشادت): دلیر، شجاع (رشادت: دلیری، شجاعت)
۵۳	زبان	۱۳	پیش	زغن* : موش‌گیر ← ۹۱
۴۲	هنر	۱۴	سوم	زه‌آب: آبی است که از سنگی یا زمینی می‌جوشد، زه‌آب دیدگان، یعنی چشمه‌ی چشم.
۹	زبان	۲	دوم	ستوه* : درمانده، ملول ← ۸۲و۸۳و۸۷
۳۶	زبان - هنر	۷	سوم	سجایا* : جمع سجیه، خُلق و خوی و عادت نیک ← ۸۱و۸۲
۷	تجربی	۱	دوم	سحاب* : ابر (نم: باران) (یم: دریا) ← ۸۴
۳۶	زبان	۷	سوم	سطوت* : حشمت، مهابت، غلبه، وقار ← ۸۱و۸۳و۸۹
۲۶	ریاضی - انسانی	۲۲	دوم	سعایت* : سخن چینی، غمازی، نمایی ← ۸۴و۸۷و۸۹
۱۷	انسانی	۹	دوم	سفاهت* : بی‌خردی، کم‌عقلی، ابلهی ← ۹۱
۱۰	انسانی	۳	دوم	سَنهم* : ترس و بیم، رعب، فزع، خوف، دهشت، هول ← ۸۵و۸۴و۹۰
۱۷	ریاضی	۱۰	دوم	اشباح* : جمع شبح، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور به نظر می‌رسد. ← ۸۹و۸۶
۵۳	هنر	۱۴	پیش	بی‌شانیه: بی‌عیب و نقص، بی‌شک و گمان (شانیه: عیب و نقص، شک و گمان؛ جمع شوانب)

۹	تجربی	۲	دوم	شست: انگشترمانندی از جنس استخوان که در انگشت شست می‌کردند و در وقت کمان‌داری، زه کمان را با آن می‌گرفتند.
۵۰	هنر	۳	پیش	شقاوت: سنگدلی، بی‌رحم ← ۹۱
۵۰	زبان	۳	پیش	شمارگرفتن*: حساب پس دادن
۵۴	تجربی	۱۶	پیش	صحبت*: مصاحبت، هم‌نشینی
۴۸	زبان	۲۲	سوم	صلصال: گل خشک
۲۳	زبان	۱۸	دوم	صولت*: هیبت، شدت، حمله (سپوت) ← ۹۱ و ۱۷ و ۱۸ و ۹۰
۵۲	ریاضی	۹	پیش	طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ
۲۳	زبان	۱۹	دوم	عامل*: حاکم، والی ← ۹۱
	انسانی			عقار
۳۴	تجربی	۶	سوم	عقد: گردن‌بند، مخنقه ← ۹۰
۴۵	تجربی	۱۸	سوم	علق*: خون بسیار سرخ، خون غلیظ
۳۲	ریاضی	۳	سوم	علیل*: بیمار، رنجور
۲۹	انسانی	۱	سوم	عُذْر: پوزش (عزار، پوره، رفسار)
۴۳	هنر	۱۴	سوم	عُقده: گره، بند
۵۱	ریاضی	۶	پیش	عیبوق*: ستاره‌ای سرخ و روشن در کنار راست کهکشان که پس از تریا طلوع می‌کند و پیش از آن غروب می‌کند و مظهر دوری و روشنایی و بلندی است.
۴۱	زبان - هنر	۱۳	سوم	غازه*: گلگونه، سرخاب ← ۸۳
۵۸	هنر	۲۶	پیش	غرس‌کردن: کاشتن، کاشتن نهال
۱۳	انسانی	۵	دوم	غلیان*: جوشش، جوش و خروش (قلیان، ابزار دقان)
۲۹	تجربی	۱	سوم	فایق*: برگزیده، برتر ← ۸۲ و ۸۳ و ۹۰
۴۸	تجربی	انتهای کتاب	سوم	تفاخر*: به خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن (فاخر: نازیدن)
۳۰	زبان - هنر	۲	سوم	فَرّ: (فَرّه=خرّه) فروغی ایزدی است که به دل هر کس بتابد از همگان برتری یابد و از پرتو همین فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد یا در کمالاتِ نفسانی و روحانی کامل می‌شود، فره‌ی، شکوه، شأن. ← ۸۳
۳۰	هنر	۲	سوم	فرهی*: شکوه، شأن و شوکت و دارای فر بودن
۲۲	انسانی	۱۶	دوم	فیاض*: بسیار فیض‌دهنده، جوان‌مرد، بسیار بخشنده
۹	هنر	۲	دوم	فسوس: مسخره کردن
۲۰	ریاضی	۱۵	دوم	قاب*: آسمانه و قوس بنا از طرف داخل که آن را از چوب می‌سازند. ← ۸۵
۲۹	تجربی	۱	سوم	قدوم*: باز آمدن، وارد شدن، آمدن، قدم نهادن، رسیدن ← ۸۵ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱
۲۰	هنر	۱۵	دوم	قعر: ته، پایان هر چیز، عمق
۲۳	هنر	۱۹	دوم	قفا: پشت، پشت‌سر (ظهر)
۵۸	ریاضی	۲۶	پیش	قلاکردن*: کلک‌زدن، شیطنت‌کردن
۱۵	زبان	۷	دوم	کت*: کتف، شانه، سفت ← ۹۰
۴۰	تجربی - هنر	۱۲	سوم	کش*: بغل، آغوش ← دست در کش کرد با آتش به هم ← ۹۱ خوش، خرم ← بدو باشد همیشه خرم و کش
۴۳	تجربی	۱۴	سوم	گَرازان*: جلوه‌کنان و با ناز راه رفتن
۴۳	تجربی	۱۴	سوم	گشَن*: انبوه، پرشاخ و برگ ← ۸۷ و ۸۸ و ۹۰
۱۴	تجربی	۶	دوم	لاور: رهبر، جلودار
۵۰	هنر	۳	پیش	لجّه: عمیق‌ترین جای دریا، میان دریا ← ۹۱

۲۰	زبان	۱۳	دوم	لطیفه* : گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک ◀ ۸۹
۲۲	ریاضی	۱۶	دوم	مالوف* : الفت گرفته، انس گرفته، خو کرده
۱۳	زبان - هنر	۵	دوم	متفرعات* : توابع، وابسته‌ها
۴۴	تجربی	۱۵	سوم	متقارب* : نزدیک شونده، همگرا ◀ ۸۹
۵۴	تجربی	۱۶	پیش	مجاوربودن* : اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن
۲۱	انسانی	۱۵	دوم	مجرد* : غیرمادی، امری که روحانی محض باشد، آنچه منزّه از ماده باشد مانند عقل و روح ◀ ۹۰/۸۴
۵۱	هنر	۴	پیش	مخن: جمع محنت، درد و رنج
۲۲	زبان	۱۶	دوم	مخدول* : خوار، زبون گردیده ◀ ۸۱و۸۳و۸۶و۸۷و۹۰و۹۱
۳۵	تجربی	۶	سوم	مخنقه* : گردن بند، قلاده، عقد ◀ ۸۲و۸۷
۹	هنر	۲	دوم	مزیح: مزاح و شوخی، غیر جدی
۳۱	هنر	۲	سوم	مسالمت* : آشتی کردن با یکدیگر، خوش رفتاری ◀ ۹۱
۲۲	زبان	۱۶	دوم	مشی: رفتن (ماشی: رونده)
۲۳	ریاضی	۱۹	دوم	مُصادره* : جریمه کردن، تاوان گرفتن، خون کسی را به مال او فروختن ◀ ۸۵
۱۱	ریاضی	۴	دوم	مُصاف* : جمع مُصف، محل‌های صف‌بستن، میدان‌های جنگ ◀ ۸۹و۹۱
۴۱	زبان	۱۳	سوم	مُضیف* : جای ضیافت، مهمان‌خانه، دارضیف
۴۷	هنر	۲۰	سوم	مُضیق* : تنگنا، کار سخت و دشوار ◀ ۸۹
۴۳	هنر	۱۴	سوم	مُظاهرت: پشتیبانی، پُشتگرمی، دلگرمی
۱۳	تجربی	۵	دوم	مُعیت: همراهی
۲۲	زبان	۱۶	دوم	مفتول* : رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم
۵۸	ریاضی	۲۶	پیش	مقهور* : مغلوب، شکست‌خورده
۲۲	انسانی - زبان	۱۶	دوم	مکاید* : جمع مکیدت، مکرها، خُده‌ها، فریب‌ها
۲۶	زبان	۲۱	دوم	مُلتزمین* : همراهان، کسانی که در رکاب امیر یا بزرگی حرکت می‌کنند. ◀ ۸۱و۹۱
۲۲	زبان	۱۶	دوم	مُلهم: الهام گرفته
۴۳	هنر	۱۴	سوم	مناصحت: خیرخواهی، پندپذیری
۲۰	زبان	۱۳	دوم	مُناعت* : بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن، بلند نظری ◀ ۸۵و۹۱
۲۶	انسانی	۲۲	دوم	مُنحوس* : شوم، نامبارک، نامیمون، بداختر ◀ ۸۱و۸۳و۹۱
۴۳	تجربی	۱۴	سوم	مُواجِب* : (جمع مُوجب) وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب باشد.
۲۱	زبان	۱۵	دوم	مینا* : آبگینه، شیشه ◀ ۸۳و۸۷
۵۶	زبان	۲۰	پیش	نُزهتگه* : تفرجگاه
۵۶	ریاضی	۲۰	پیش	نشئه* : سرخوشی، سرمستی
۲۹	ریاضی	۱	سوم	واصف* : وصف‌کننده، ستایشگر، ستاینده
۴۳	تجربی	۱۴	سوم	وقیعت* : سرزنش، بدگویی، نکوهش ◀ ۸۷و۸۸و۸۸و۹۰
۱۱	تجربی	۴	دوم	هزیمت: شکست یافتن لشکر و پراکنده شدن سپاهیان، فرار سپاهیان
۲۲	هنر	۱۶	دوم	هلیم* : غذایی از گندم پوست‌کنده و گوشت، اصل آن هلام بوده و مُمال شده‌است و نوشتن آن به صورت «حلیم» متداول است.
۱۳	تجربی	۵	دوم	واتر قیده‌اند: تنزل کردن، به عقب برگشتن